



مدد حقوق



شماره چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۳۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

- امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
همایون مافی، مرتضی پورعزیز
بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نو ظهور
سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داور بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
ایرج مروتنی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
لژوم جرم انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
مهدی رجائیان، شادی چگینی
ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
امیرحسین ابوالحسنی، ستار فخرایی، زینب قادری
واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانة» در فقه و حقوق خانواده
حجت اله دهقانی
سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
سیدحجت الله علم الهدی، محمد مهدی اسدی
اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
علیرضا باقری حسن آبادی
مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
ایوب رحیمی
مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
احمدرضا سلطانیان
مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
چیران ابراهیمی
سیاست‌گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
محبوبه طالبی رستمی
تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
مهدی قره داغی، مسعود سرفرازی صالح
مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
حبیب اله عبدالله پور، حمیدرضا نام آور
تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
جواد چراغی
تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
محمد احمدی
مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
جواد دشتیان
قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داور تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داور با تأکید بر مفهوم تجاری
علی باباپور همراهلو، پویا بنی هاشم
مالکیت و بهره برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
احمد پدیدار، یاسر صیادپور
حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی)
نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
علیرضا درانی
شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکدی‌گری در زاهدان
محمدکمال دادرسی
مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
علی فراحی
تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
رامدهر رحمانی گل افشان
مروری تاریخی بر جرم انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری



The International Criminal Court's Counteraction to the Spread of ISIS Crime

مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش

Javad Dashtian

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

جواد دشتیان

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

dashtianjavad@gmail.com

Abstract

The aim of this study is to confront the International Criminal Court with the spread of ISIS crime. The emergence and spread of ISIS in Iraq and Syria and the commission of heinous and organized crimes such as genocide, war crimes, and crimes against humanity have forced the international community to consider solutions to prosecute and punish the perpetrators of these crimes. However, no serious and effective action has been taken at the international level to try ISIS members in the International Criminal Court so far. This study shows that numerous obstacles at the political and judicial levels have prevented the establishment of an international court to investigate ISIS crimes. The present study, using a descriptive-analytical method, has evaluated various solutions, including the establishment of a hybrid court, an International Islamic Court, an ad hoc international court of the United Nations Security Council, and the Permanent International Criminal Court. The findings indicate that although all of these options have the necessary legal conditions, the hybrid court is the most appropriate and practical option for prosecuting ISIS crimes. The international community expects the governments of Iraq and Syria, in cooperation with the international community, to prosecute and try ISIS members in an international court.

Keywords: Criminal Court, Crime, ISIS, International Law.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش است. ظهور و گسترش داعش در عراق و سوریه و ارتکاب جنایات شنیع و سازمان‌یافته‌ای همچون نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت جامعه جهانی را به چاره‌اندیشی برای تعقیب و مجازات عاملان این جنایات واداشته است. با این حال، تاکنون اقدام جدی و مؤثری در سطح بین‌المللی برای محاکمه اعضای داعش در دیوان بین‌المللی کیفری صورت نگرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که موانع متعددی در سطوح سیاسی و قضایی مانع از تشکیل دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات داعش شده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، راهکارهای مختلفی از جمله تشکیل دادگاه مختلط، دادگاه بین‌المللی اسلامی، دادگاه بین‌المللی موردی شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان دائمی کیفری بین‌المللی را مورد ارزیابی قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که هرچند تمامی این گزینه‌ها دارای شرایط حقوقی لازم هستند، اما تشکیل دادگاه مختلط به‌عنوان مناسب‌ترین و عملی‌ترین گزینه برای تعقیب جنایات داعش مطرح می‌شود. انتظار جامعه جهانی بر این است که دولت‌های عراق و سوریه با همکاری جامعه بین‌المللی، امر تعقیب و محاکمه اعضای داعش را در یک دادگاه بین‌المللی عملی سازند.

واژگان کلیدی: دادگاه کیفری، جنایت، داعش، حقوق بین‌الملل.

Received: 2025/10/02 - Review: 2025/11/12 - Accepted: 2025/11/27

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

ارجاع:

دشتیان، جواد؛ (۱۴۰۴)، مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش، تمدن حقوقی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

ظهور گروه داعش در عراق و سوریه و کنترل مناطق گسترده‌ای از این دو کشور و تشکیل دولت خودخوانده عراق و شام، توجه جامعه جهانی را به خود جلب نمود. بر پایه گزارش نهادها و مراجع معتبر بین‌المللی، این گروه مرتکب اعمال ضدانسانی شنیع و موهنی شده است که به جهت سازمان یافتگی و گستردگی، دست کم برخی از آن‌ها می‌تواند مصداق سه جنایت مهم بین‌المللی یعنی جنایت نسل زدایی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت محسوب شود. با این حال، تاکنون هیچ اقدام جدی برای تعقیب و محاکمه اعضای داعش در دادگاه‌های بین‌المللی صورت نگرفته است.

پژوهش حاضر روشن می‌کند عوامل سیاسی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و عوامل قضایی در عرصه داخلی و بین‌المللی، مانع تشکیل دادگاه بین‌المللی برای تعقیب جنایات داعش شده است. پژوهش حاضر راهکارهای تشکیل دادگاه مختلط، دادگاه بین‌المللی اسلامی، دادگاه بین‌المللی موردی شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان دائمی کیفری بین‌المللی را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده است؛ بر این اساس، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند هر یک از این دادگاه‌ها شرایط حقوقی برای این مهم را دارا هستند اما دادگاه مختلط مناسب‌ترین و عملی‌ترین گزینه برای تعقیب جنایات داعش است. انتظار

جامعه جهانی آن است که دول عراق و سوریه با همکاری جامعه جهانی، امر تعقیب و محاکمه اعضای داعش را در یک دادگاه بین‌المللی عملی سازند.

دیوان بین‌المللی کیفری متعاقب تلاش یکصدساله جامعه جهانی متأثر از شدت وقایع قرن بیستم میلادی در نقض حقوق بنیادین بشر در سال ۱۹۹۸ میلادی طی نشست رم به منظور مجازات ناقضان حقوق کیفری بین‌المللی و تحقق اصل منع بی‌کیفری تشکیل شد؛ اصل و هدفی که با وجود حق جامعه بین‌المللی بر همزیستی مسالمت‌آمیز، به موجب عدم موفقیت دیوان بین‌المللی کیفری در برابر جنایات داعش با چالشی جدی مواجه شده است (اسدی، ۱۳۹۳، ۴۱).

صاحب‌نظران، موانع محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی در چهارچوب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را اغلب در دو دسته موانع نظری و موانع ناشی از نقایص اساسنامه مطرح کرده‌اند، اما جامعه بین‌المللی در قرن بیستم میلادی، قرن سازمان‌های بین‌المللی با پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه تنسيق روابط اجتماعی از طریق تصویب کنوانسیون‌های متعدد به منظور تحقق عدالت کیفری مواجه بوده که کنوانسیون مبارزه با فساد در این زمره است اما این نظام از بعد تکوین نهادهای ضامن روابط اجتماعی بین‌المللی کماکان در مراحل توسعه قرار دارد. نتایج پژوهش مبین آن است که فساد سیاسی به مفهوم رفتار منحرف شده مقامات از ضوابط و وظایف رسمی خود به دلیل ملاحظات خاص به‌عنوان یکی دیگر از موانع امحای بی‌کیفری است (آقایی جنت‌مکان و قریشی، ۱۳۹۲، ۳۲). هرچند مصونیت سران و اعضای داعش از تعقیب و مجازات به ضعف ساختاری دیوان بین‌المللی کیفری منتسب می‌شود، البته ترمیم شکنندگی این ساختار پیش از ابتلا آن به سرانجام جامعه ملل، ضروری به نظر می‌رسد (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳، ۷۹).

دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان یک نهاد جهانی برای محاکمه جرائم جدی بین‌المللی از جمله جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی تأسیس شده است. با این حال، این دیوان با چالش‌های متعددی در زمینه اصل منع بی‌کیفری به‌ویژه در مورد گروه‌های تروریستی مانند داعش مواجه است. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها این است که بسیاری از کشورهای جهان به صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری پایبند نیستند یا پیمان رم را امضاء نکرده‌اند. این وضعیت باعث می‌شود که دیوان بین‌المللی کیفری نتواند اعضای داعش را به دلیل ضعف در همکاری دولتی محاکمه کند (لانگست، ۱۳۹۷، ۱۲۸).

بازداشت و تسلیم اعضای داعش یکی دیگر از چالش‌های مهم به‌شمار می‌رود. به دلیل رو به گسترش بودن فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و جنگ‌های داخلی، شناسایی و دستگیری مظنونین دشوار خواهد بود. جرائم ارتكابی توسط داعش شامل مجموعه‌ای از جنایات متفاوت است که هم‌زمان ممکن است در کشورهای مختلف انجام شوند. این پیچیدگی قانونی ممکن است به قضاوت و بررسی دقیق نیاز داشته باشد. چالش‌های سیاسی از قبیل نهادهای دولتی که به عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری تمایلی ندارند یا معضلات اجتماعی در کشورهای متأثر از جنگ موجب می‌شود که اجرای عدالت در مورد جنایات داعش دشوار شود (جعفری، ۱۳۹۲، ۹۶).

روندهای قضایی ممکن است با انتقادات زیادی مواجه شود، به‌ویژه زمان‌هایی که حقوق بشر نادیده گرفته شود. این امر می‌تواند به ایجاد نگرانی‌هایی درباره عدالت و توانایی دیوان در اجرای آن منجر شود. برای محاکمه مؤثر اعضای داعش، نیاز به شواهد مستند و قوی داریم که نشان‌دهنده ارتكاب جرائم باشند. درگیری‌های مسلحانه و آشفتگی‌های موجود می‌تواند مانع جمع‌آوری شواهد لازم شود. دیوان بین‌المللی کیفری با چالش‌های مالی و منابع انسانی روبرو است که برآیند آن می‌تواند روند رسیدگی را تحت تأثیر قرار دهد (خبیری و جدلی، ۱۳۸۹، ۶۳).

اصل منع بی‌کیفری یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل کیفری است که دیوان بین‌المللی کیفری به دنبال اجرای آن است. اما چالش‌های متعددی همچون عدم همکاری دولت‌ها، پیچیدگی‌های قانونی و سیاست‌های بین‌المللی بر روند تأمین عدالت در برابر جرائم داعش تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها باید همکاری بیشتری برای مقابله با این چالش‌ها داشته باشند (دل‌خوش، ۱۳۹۵، ۱۳۹).

در رابطه با گروه تروریستی داعش، دیوان بین‌المللی کیفری چندین رهیافت و تدبیر را اتخاذ کرده است. دیوان بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به جرائم انجام شده توسط اعضای داعش باید صلاحیت خود را برقرار کند. دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند با تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل در این زمینه همکاری کند. دیوان بین‌المللی کیفری اقدام به تحقیق و مستندسازی جرائم ارتكابی توسط داعش کرده است. این تحقیقات می‌تواند شامل جمع‌آوری شواهد، شهادت‌ها و مدارک مستند باشند که به تشکیل پرونده‌های متهمان کمک می‌کند. این فرایند به‌خصوص در مورد جرائم علیه بشریت مانند نسل‌کشی

یزیدی‌ها و دیگر اقلیت‌ها اهمیت دارد. دیوان بین‌المللی کیفری برای پیگیری و محکوم کردن اعضای داعش به همکاری با کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی نیاز دارد. این همکاری می‌تواند شامل انتقال شواهد و اطلاعات، پیگیری متهمان و نیز اجرا کردن احکام باشد. دیوان بین‌المللی کیفری به دنبال حفظ حقوق بشر و تأمین عدالت در فرایندهای خود است.

در فرایندهای کیفری، دیوان بین‌المللی کیفری سعی می‌کند تا به حقوق متهمان احترام بگذارد و در عین حال از حقوق قربانیان نیز دفاع کند. این یکی از چالش‌های بزرگ دیوان بین‌المللی کیفری است، چرا که باید برابری بین حقوق قربانیان و متهمان را حفظ کند. دیوان بین‌المللی کیفری همچنین به بررسی تبعات اجتماعی و اقتصادی جرائم داعش می‌پردازد و به این نکته توجه دارد که چگونه این جرائم می‌تواند آثار بلندمدتی بر جوامع داشته باشند؟ دیوان بین‌المللی کیفری در تلاش است تا به‌عنوان یک نهاد قضایی مستقل، روش‌های مؤثری را برای مقابله با جرائم ارتكابی توسط اعضای گروه تروریستی داعش به کار گیرد. با این حال، چالش‌ها و موانع قانونی، سیاسی و اجتماعی در این راه وجود دارد که نیاز به همکاری‌های بین‌المللی و شفافیت در فرایندهای قضایی را بیشتر می‌کند (لانگست، ۱۳۹۷، ۱۴۱).

با توجه به آن چه که ذکر شد و لزوم اهمیت و توجه به مسئله مورد بررسی در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش خواهیم بود که دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص جنایات گروه‌های سازمان یافته تبهکار با تأکید بر گروه داعش با چه چالش‌هایی روبرو است؟

۱- گسترش تروریسم به‌ویژه افراط‌گرایی داعش

۱-۱- گسترش فرقه‌گرایی در عراق

خاستگاه گروه داعش، عراق بوده است. این کشور سالیان متمادی تحت سلطه رژیم صدام حسین و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی او در طرد شیعیان و کردها و حمایت از سنی‌ها قرار داشته است که خود سبب ریشه دوانیدن اختلافات عمیق قومی و مذهبی در این کشور شده بود. با سقوط صدام حسین، انتظار می‌رفت با تدوین قانون اساسی جدید، مسیر به سمت سیاست‌های منصفانه برای همه عراقی‌ها پیش رود، درحالی‌که برخی قوانین از جمله قانون مبارزه با تروریسم و نیز سیاست‌های پاک‌سازی، یکدست‌سازی و تبعیض قومی و مذهبی دولت وقت عراق در مسیر مقابل پیش می‌رفت.

در سال ۲۰۰۵ میلادی قانون ضد تروریسم در عراق به تصویب رسید اما سنی‌ها معتقد بودند این قانون به حربه‌ای در دست دولت تبدیل شده است تا بسیاری از مخالفان سنی دولت و بعضی‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم بدون دلیل محکمه‌پسندی راهی زندان شوند. علاوه بر این، گروه‌های سنی عراقی تحت تأثیر سیاست یکدست‌سازی دولت مرکزی در خصوص ترکیب جمعیتی برخی شهرهای عراق، طرد و به گروه‌های جهادی افراطی از جمله داعش ملحق شدند. در سال ۲۰۰۹ میلادی فرایند جابجایی و همگون‌سازی مناطق شیعه و سنی در عراق به اوج خود رسید که به شکل‌گیری مناطقی با بافت همگن انجامید. در نتیجه، در مناطق سنی نشین، کمترین همکاری با پلیس در برقراری امنیت صورت نمی‌گرفت و همین موضوع سبب شد تا عناصر داعش و القاعده به راحتی در قبایل و مناطق سنی نشین نفوذ کنند (کریمی مله و گرشاسی، ۱۳۹۴، ۱۵).

۱-۲- شرایط نابسامان اقتصادی در عراق و سوریه

وضعیت نابهنجار اقتصادی و اداری در عراق می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل سقوط موصل مورد بررسی قرار گیرد. تعداد نیروهای ارتش، پلیس و پلیس فدرال در موصل در زمان ورود داعش به این شهر، شصت و پنج هزار نفر گزارش شده است که با توجه به پدیده «سربازان فضایی» در عراق، رقم واقعی این تعداد، یک‌سوم رقم مذکور برآورد شده است. با این وجود، این ارتش حدوداً بیست و دو هزار نفری فقط چهار روز در برابر یک‌هزار و سیصد داعشی تاب آورد و با فرار فرماندهان و غالب سربازان متحمل شکست سنگینی شدند. این شکست موجب دست یافتن داعش به آخرین تجهیزات نظامی ساخت ایالات متحده آمریکا و چندین میلیون دلار وجه نقد در بانک‌های موصل شد. از طرف دیگر بسیاری از پست‌های اداری در آن کشور قابل خرید و فروش هستند و بسیاری از رتبه داران نظامی در آن کشور، در حقیقت پست‌های خود را خریده‌اند. بر این اساس، گفته شده است: جای تعجب نیست که این درجه‌داران به‌جای ایستادن و جنگیدن فرار کنند. چراکه آنان شغل نظامی را یک نوع سرمایه‌گذاری می‌بینند تا مسئولیتی که می‌باید هنگام نیاز کشور ادا کنند و در برابر مهاجمان بکنند.

همچنین، فساد گسترده در ادارت عراقی به صورت رشوه علنی شده است. بر اساس یک گزارش در سال ۲۰۱۳ میلادی، فساد در عراق به سطوح بالای دولتی رخنه کرده است به نحوی که بیشتر احزاب

سیاسی در جریان انعقاد قراردادهای نفتی و مسائل بودجه و... آلوده به فساد شده‌اند. علاوه بر این، خصوصی‌سازی بسیاری از مؤسسات پشتیبانی لجستکی ارتش بدون آن که سازوکار نظارت ساختاری و دقیق برای آن ایجاد شده باشد، عملاً منجر به فساد سیستماتیک در ارتش شده است. بر این اساس، داستان‌هایی از نرسیدن آذوقه و ادوات نظامی به نظامیان عراقی در مواجهه با داعش، ریشه در این ناکارآمدی‌ها داشته است. علاوه بر این‌ها، فقر ریشه‌دار می‌تواند در گرایش برخی افراد به گروه داعش مؤثر بوده باشد به نحوی که بر اساس برخی گزارش‌ها، میزان پرداختی داعش برای جذب افراد قابل توجه و تا ششصد دلار برای یک ماه حقوق افراد محلی بوده است (گوهری مقدم، ۱۳۹۰، ۱۱).

کشور سوریه نیز اگرچه تا قبل از ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ میلادی وضعی متفاوت با عراق داشت درگیر فقر و فساد مالی و اداری بوده است. سیاست‌های اقتصاد لیبرال، حرکت به سمت خصوصی‌سازی که بدون حمایت کامل از اقشار ضعیف به پیش می‌رفت و قطع تدریجی یارانه‌های دولتی در سال ۲۰۰۷ میلادی و به‌ویژه خشک‌سالی و بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی که روستائیان را تا سرحد گرسنگی و بحران غذایی کشاند، مجموعاً موجب نابسامانی‌های اقتصادی در سوریه شده بود. بر این اساس، عجیب نیست اگر افراد آسیب‌دیده مناطق روستایی جزو اولین گروه‌هایی باشند که به صفوف معترضین پیوستند و برخی از آنان از ورود جهادگرایان افراطی استقبال کرده باشند یا حتی با هدف رفع گرسنگی به صفوف آنان پیوسته باشند.

۱-۳- مبانی مذهبی مشترک داعش با سنی‌های سوریه

در حقیقت، بحران سوریه فرصتی را فراهم آورد تا داعش بتواند ساختار تشکیلاتی خود را در داخل سوریه تقویت کند و با تصرف مناطقی از آن کشور، از آن به‌عنوان پایگاهی علیه دولت عراق استفاده کند. انتقال تجهیزات نظامی از سوریه به عراق به دلیل در اختیار داشتن مرز دو کشور و جذب تعداد زیادی از مخالفان اسد به تقویت این گروه کمک وافری کرده است (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵، ۱۶).

۱-۴- برخورداری داعش از تجهیزات فضای مجازی

تردیدی نیست که استفاده داعش از فضای مجازی، نقشی بی‌بدیل در شهرت این گروه و جلب توجه

جهانیان داشته است. در واقع، اگرچه اقدامات خشن و بدیع داعش مانند سوزاندن خلبان اردنی، غرق کردن اسرا و سربردن آن‌ها و بسیاری اقدامات دیگرشان ریشه در ایدئولوژی آنان دارد اما اصرار داعش در مورد به تصویر کشیدن این رفتارها در اینترنت، قطعاً با ملاحظه آثار آن به‌ویژه ارباب مخالفان و دشمنان بالفعل و بالقوه بوده است.

به‌رغم آن که استفاده داعش از رسانه به‌ویژه فضای مجازی به‌عنوان یکی از وحشتناک‌ترین موفقیت‌های مدرنیته شناخته می‌شود؛ اما حقیقت آن است که نمی‌توان رسانه را یک استراتژی قلمداد کرد. به‌عبارت دیگر، داعش خود دارای استراتژی ارتباطی پیچیده است که از رسانه‌ها فقط به‌عنوان یک تاکتیک استفاده می‌کند. این تمایز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است چرا که رسانه به دنبال انتشار نوعی ذهنیت یک‌سویه است درحالی‌که ارتباطات، نوعی دیالوگ یا مکالمه دوسویه محسوب می‌شود. بر این اساس مکالمات دوسویه برای جلب حمایت و سوق دادن افراد به‌سوی افراطی‌گری بسیار مهم و ضروری است. تنها تعداد بسیار اندکی از افراد صرفاً به دلیل استفاده از محتوای آنلاین و رسانه‌های اجتماعی یک‌سویه مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند. در استرالیا، تنها دو درصد از نیروهای جهادی بر اساس چنین شیوه‌ای به‌افراط‌گرایی روی آورده‌اند، درحالی‌که حدود بیست و یک درصد از اعضای این گروه‌های افراطی در گذشته سابقه ارتکاب جرم داشته و سپس به این گروه‌ها روی آورده‌اند و شصت و نه درصد دیگر نیز از طریق شبکه گروه‌های افراطی دوسویه یا روابط خانوادگی به‌افراط‌گرایی روی آورده‌اند. همچنین، قابل توجه است که عزیمت یکی از اعضای خانواده معمولاً منجر به عزیمت یکی دیگر از برادران، عموزاده، خواهر یا آوردن همسر و فرزندان به عراق و سوریه می‌شود. برادران و عموزاده‌هایی که در سوریه با هم جنگیده‌اند، به دلیل ارتباطات و تبادل اطلاعات بین جنگجویان و خانواده‌های شان که در غرب زندگی می‌کنند که معمولاً اتفاق می‌افتد، بهترین و مطمئن‌ترین منبع اطلاعات هستند (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴، ۷).

داوطلبان، اغلب خانه‌های خود را در گروه‌های کوچکی از چندین نفر که قبلاً همدیگر را می‌شناختند، انتخاب می‌کنند و خاطرات خود را به اشتراک می‌گذارند و با یکدیگر روابط عاطفی برقرار می‌کنند. داعش حتی تشویق به ترک یک دوست می‌کند زیرا شرایط را برای وضعیت‌های دشوارتر، آسان‌تر می‌کند. استخدام در مساجد، مراکز فرهنگی و سخنرانی‌های روحانیون کاریزماتیک انجام می‌شود. استخدام‌کنندگان در شهرهای متعدد اروپایی کار می‌کنند، در بسیاری مواقع، دوستان، داوطلب

بالقوه را با ایجاد اعتماد، به هوادار تبدیل می‌کنند. اگرچه محتوای منتشر شده در اینترنت مهم هستند اما نقش تماس شخصی و روابط موجود بین جنگجویان و داوطلبان بالقوه را نمی‌توان نادیده گرفت (معظمی و نمامیان، ۱۳۹۴، ۸).

۲- ماهیت و گستره جنایات بین‌المللی

۲-۱- انطباق جنایات داعش با جنایات بین‌المللی

پس از شوک ناشی از تسلط زودهنگام گروه داعش بر موصل در دهم ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، اقدامات ددمنشانه این گروه، شوک جدیدی را به جامعه جهانی وارد کرد. بنا بر گزارش‌ها، گروه داعش در دوازدهم ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، تعداد یکهزاروهفتصد عضو شیعه نیروهای نظامی عراق و در بیست و دوم ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، تعداد یکصدوهفتادوپنج سرباز نیروی دریایی عراق را که اسیر شده بودند، فوراً اعدام کردند. ناوی پیلا، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد، در هجدهم ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، اعدام بی‌رحمانه صدها سرباز عراقی (خارج از جنگ) و همچنین اعدام شهروندان غیرنظامی از جمله رهبران مذهبی و افراد کمک‌کننده به حکومت عراق که از همکاری با داعش خودداری کردند توسط نیروهای نظامی متحده تحت عنوان دولت عراق و شام را محکوم کرد (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷، ۱۱).

در پنجم ژوئن ۲۰۱۴ میلادی رئیس دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد اقدام به صدور بیانیه مطبوعاتی در این خصوص نمود که ضمن محکوم کردن اعمال تروریستی داعش، کشتار غیرنظامیان و ربودن اعضای کنسولگری ترکیه در عراق را محکوم کرد. به‌علاوه، اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، تعهدات ناشی از قطعنامه‌های ۱۲۶۷ و ۱۹۸۹ این شورا مبنی بر تحریم‌های مالی، تسلیحاتی و مسافرتی دولت اسلامی عراق و شام و گروه‌ها و افراد وابسته به آن را یادآور شدند. همچنین، یک روز بعد از تصرف موصل به دست داعش، شورای امنیت سازمان ملل متحد در یازدهم ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، بیانیه مطبوعاتی دیگری در مورد عراق صادر کرد و طی آن اقدامات تروریستی این گروه علیه مردم عراق و نیروهای امنیتی به‌شدت محکوم شده است.

در اوایل اوت ۲۰۱۴ میلادی، گروه داعش، یکصدوپنجاه زن و دختر مسیحی مجرد را از نینوا به سوریه منتقل کرد تا به‌صورت برده جنسی فروخته شوند یا به سربازان داعش در آن جا اهدا شوند؛

همچنین زنان و کودکان اقلیت‌های قومی بیشتری را از سایر مناطق تحت کنترل خود، ربوده و مورد سوءاستفاده جنسی قرار داده و به صورت برده فروخته است. بر این اساس، شورای امنیت سازمان ملل متحد در پانزدهم اوت ۲۰۱۴ میلادی با صدور قطعنامه ۲۱۷۰، ضمن تأکید بر قطعنامه‌های ۱۲۶۷، ۱۳۷۳، ۲۱۶۱ و دیگر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص محکومیت هر گونه اقدامات تروریستی و ممنوعیت هر گونه مبادله مالی با گروه‌های تروریستی، رفتارهای بسیار خشن داعش از جمله اعدام‌های سریع و گسترده، تعقیب و آزار افراد و گروه‌ها به دلیل مذهب یا باورهای اعتقادی، ربایش غیرنظامیان، قتل کودکان و خشونت‌های جنسی، این‌گونه حمله‌های سازمان‌یافته یا گسترده بر ضد غیرنظامیان را جنایت ضدبشریت به شمار آورده و خواهان توقف این رفتارها و همکاری دولت‌ها برای محاکمه طراحان و عاملان این اقدامات شد.

علاوه بر این، شورای امنیت سازمان ملل متحد در دوازدهم فوریه ۲۰۱۵ میلادی طی قطعنامه ۲۱۹۹ بر عزم خود برای برخورد با همه جنبه‌های تهدید داعش تأکید کرد. این شورا بر اساس بند هفتم منشور ملل متحد و با توجه به قطعنامه‌های ۱۲۶۷ و ۱۹۸۹^۵، هرگونه تجارت مستقیم یا غیرمستقیم با داعش، النصره و دیگر گروه‌های وابسته یا همسو با القاعده به‌ویژه خرید و فروش نفت، محصولات نفتی، پالایشگاهی و اقلام مربوط به آن را محکوم می‌کند و تأکید می‌کند که چنین روابطی می‌تواند به معنای حمایت از این گروه‌ها باشد. شورا در ادامه بر مفاد قطعنامه شماره ۲۱۶۱ در ۲۰۱۴ میلادی تأکید و تصریح نمود دولت‌ها لازم است اطمینان یابند اتباع آن‌ها یا افراد ساکن در کشور آن‌ها، دارایی مالی یا منابع اقتصادی در اختیار داعش، النصره یا سایر گروه‌های وابسته یا همسو با القاعده قرار ندهند و نیز دولت‌ها موظف شده‌اند هر گونه دارایی متعلق به این گروه‌ها را مسدود کنند (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳، ۱۲).

۲- مصوب ۱۹۹۹ میلادی

۳- مصوب ۲۰۰۱ میلادی

۴- مصوب ۲۰۱۴ میلادی

۵- مصوب ۲۰۱۱ میلادی

با توجه به مدارک و مستندات موجود، اهم اقدامات متوجه گروه داعش که علیه زنان و بچه‌ها، اقلیت‌ها، سربازان عراقی و اتباع خارجی انجام شده است را می‌توان به شرح زیر برشمرد: اول- اعدام بی‌رحمانه و سیستماتیک صدها نظامی اسیر یا تسلیم‌شده عراقی^۶ و پلیس. دوم- اعدام فوری صدها شهروندان غیرنظامی از جمله رهبران مذهبی و افراد کمک‌کننده به حکومت عراق که از همکاری با داعش خودداری کردند. سوم- اعدام‌های سریع و گسترده، تعقیب و آزار افراد و گروه‌ها به دلیل مذهب یا باورهای اعتقادی، ربایش غیرنظامیان، قتل کودکان و تجاوز و خشونت‌های جنسی نسبت به کودکان، نوجوانان و زنان به صورت سازمان‌یافته یا گسترده. چهارم- هدف قرار دادن مستقیم و عمدی غیرنظامیان هنگام جنگ. پنجم- هدف قرار دادن و کشتار سیستماتیک غیر عرب‌ها و مسلمانان غیرسنی به‌ویژه اقلیت ایزدی، مسیحی و ترکمن و ریودن هزاران زن و کودک آن‌ها و به بردگی جنسی گرفتن زنان و دختران آن‌ها یا ازدواج اجباری آن‌ها به صورت گسترده. ششم- بی‌توجهی عمدی و سیستماتیک نسبت به ممنوعیت استفاده از بچه‌ها و سوءاستفاده از آن‌ها در نبردهای نظامی با اقداماتی چون مجبور کردن کودکان به اقداماتی چون گشت زنی از شهرهای تحت کنترل این گروه، اداره کردن ایست و بازرسی‌ها و استفاده از آن‌ها به عنوان سپر انسانی در جنگ. هفتم- ریودن و کشتن عمدی اتباع سایر کشورها مانند ایالات متحده آمریکا. هشتم- تخریب عمدی آثار میراث فرهنگی و تاریخی مهم. نهم- به کارگیری سلاح‌های سمی، کشنده و نامتعارف. دهم- چپاول و غارت شهرها و روستاها (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۸، ۱۶).

۲-۲- شدت، گستردگی و سازمان‌یافتگی جنایات

در تطبیق این اقدامات با سه جرم اصلی بین‌المللی، اجمالا سه اتهام نسل‌کشی، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت، مطرح و بحث شده است. اگرچه توجه اتهام نسل‌کشی به اقداماتی که این گروه تاکنون مرتکب شده است بحث‌های جدی‌تری را به دنبال داشته است. جرم تجاوز نیز می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد؛ بنابراین، ضروری به نظر می‌رسد ارکان جرائم بین‌المللی مورد اشاره، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. باین حال، از آن جا که در حال حاضر تنها اساسنامه دیوان دائمی کیفری بین‌المللی در دست است و سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی احتمالی که ممکن است برای رسیدگی به جنایات داعش تشکیل شود، هنوز

تشکیل نشده است، لذا در حال حاضر، ملاک تطبیق اقدامات داعش با حقوق بین‌المللی کیفری، اساسنامه این دیوان دائمی کیفری بین‌المللی خواهد بود، اگرچه اسناد دیگر از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ میلادی و کنوانسیون منع نسل‌کشی مصوب ۱۹۴۸ میلادی و اساسنامه‌های محاکم بین‌المللی موردی مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد مانند اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، اساسنامه دادگاه رواندا و نیز عرف مسلم بین‌المللی متبلور در آراء محاکم قضایی بین‌المللی در این راستا می‌تواند مبین ارکان جرائم بین‌المللی مذکور باشد.

عناصر یک جرم در حقوق بین‌الملل نیز می‌تواند به‌مثابه حقوق داخلی به سه رکن مادی، روانی و قانونی تقسیم گردد. جرائم چهارگانه بین‌المللی در ماده پنج اساسنامه رم به اختصار و در مواد بعدی به تفصیل بیان شده است. ماده ۶ اساسنامه به تفصیل مصادیق نسل‌کشی، ماده ۷ مصادیق جرائم علیه بشریت، ماده ۸ جرائم جنگی و ماده ۸ مکرر نیز به تعریف جرم تجاوز پرداخته است. این مواد عناصر مادی، قانونی و روانی جرائم مورد اشاره را تبیین کرده است. علاوه بر این ماده‌های ۲۲ الی ۳۳ اساسنامه رم به اصول عمومی حقوق کیفری پرداخته است. ماده ۷۷ اساسنامه دیوان دائمی کیفری بین‌المللی نیز به بیان مجازات جرائم در صلاحیت دیوان پرداخته است و آن را شامل حبسی که بیشتر از سی سال نخواهد بود، حبس ابد، اختیار دادگاه در وصول جریمه بر طبق ملاک‌هایی که در آیین دادرسی و ادله دیوان دائمی کیفری بین‌المللی مقرر شده است و ضبط اموالی که از جرم حاصل شده است، برشمرده است (عمادی، ۱۳۹۳، ۱۸).

۳- جنایت نسل‌کشی

ماده ۶ اساسنامه رم، نسل‌کشی را تعریف و به تبعیت از ماده ۲ کنوانسیون نسل‌کشی مصادیق آن را برشمرده است: منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه، هریک از اعمال مشروح ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد: قتل اعضای یک گروه؛ ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه؛ قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیات زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود؛ اقداماتی که به‌منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد؛ انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر (سودمندی، ۱۳۹۴، ۱۴).

۳-۱- عنصر مادی نسل‌کشی

عنصر مادی جرم نسل‌کشی، هریک از اعمال پنج‌گانه ماده ۶ اساسنامه رم هست. این ماده، نسل‌کشی را محدود به نابودسازی فیزیکی کرده است که موجب انتقاداتی شده است. از جمله می‌توان به انتقاد از عدم ذکر آن چه اصطلاحاً پاک‌سازی نژادی^۷ نامیده می‌شود، اشاره کرد که به‌رغم آن که در جریان مذاکرات مورد بحث قرار گرفت اما در متن نهایی اساسنامه رم گنجانده نشد. به نظر می‌رسد به‌رغم درست بودن کلیت این انتقادات در عدم شمول نابودسازی غیرفیزیکی در رفتارهای مشتمل بر نسل‌کشی، برخی از مصادیق مورد انتقاد به‌عنوان جنایت علیه بشریت مورد تصریح قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، کوچ اجباری یک جمعیت در بند اول ماده ۷ اساسنامه رم به‌عنوان یک رفتار مجرمانه علیه بشریت در نظر گرفته شده است.

حداقل تعداد قربانیان برای تحقق نسل‌کشی ذکر نشده است. دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندادر پرونده آکای سو اقدامات پنج‌گانه مادی را حتی اگر علیه یک عضو گروه ارتکاب یابد، کافی دانسته بود. برخی از حقوقدانان با استناد به این که ماده ۲ کنوانسیون نسل‌کشی و ماده ۶ اساسنامه رم از کشتن یا ایراد صدمه شدید به اعضای گروه سخن گفته‌اند، وجود تنها یک قربانی را کافی نمی‌دانند. باین‌حال، از آن‌جا که سند موسوم به عناصر تشکیل‌دهنده جرائم در تبیین همه شقوق ماده ۶ اساسنامه رم، قربانی را اعم از یک نفر یا بیشتر دانسته است، گسترده بودن اقدامات مرتکب ضروری به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین ارتکاب هریک از عناصر مادی بر روی یک یا چند عضو گروه هدف، می‌تواند از نظر اساسنامه رم، نسل‌کشی محسوب شود.

تعریف دقیقی از مفهوم گروه در ماده ۶ اساسنامه رم ذکر نشده است. باین‌حال، دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندادر پرونده آکای سو به تعریف هریک از چهار گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی بپردازد: «گروه ملی مجموعه‌ای از افراد دارای رابطه حقوقی شهروندی مشترک و برخوردار از حقوق و تکالیف متقابل می‌باشند». گروه قومی «گروهی است که اعضای آن از زبان یا فرهنگ مشترک برخوردارند». گروه نژادی «گروهی است مبتنی بر ویژگی‌های جسمانی وراثتی که معمولاً با ناحیه جغرافیایی خاصی، بدون در

۷- کوچاندن اعضای یک گروه از محل اقامت اصلی آن‌ها

نظر گرفتن عوامل زبانی، فرهنگی، ملی یا مذهبی، مرتبط است». گروه مذهبی «گروهی است که اعضای آن از مذهب یا شیوه عبادی واحدی تبعیت می‌کنند» (خواجه سروی و بهرامی، ۱۳۹۳، ۱۷).

۳-۲- عنصر روانی نسل‌کشی

قصد عام جرم نسل‌کشی، عمد در ارتکاب یکی از اعمال پنج‌گانه ماده ۶ اساسنامه رم است. علاوه بر این، به موجب سند عناصر متشکله جرم، در مورد رفتار انتقال اجباری کودکان گروه به گروه دیگر ضروری است که مرتکب می‌دانسته^۸ یا باید می‌دانسته^۹ که قربانی کمتر از هجده سال سن دارد. همچنین، سوءنیت خاص مرتکب در ناپودی تمام یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی برای تحقق جرم نسل‌کشی ضروری است. اگرچه ناپودی فیزیکی تمام یا بخشی از یک گروه ضرورت ندارد، اما قصد خاص مرتکب برای انجام چنین چیزی ضروری است. با توجه به لزوم وجود قصد خاص، سهل‌انگاری یا مسامحه برای تحقق این جرم کفایت نمی‌کند. همان‌طور که دادگاه فدرال آلمان در پرونده ای^{۱۰} در سال ۱۹۹۹ میلادی به درستی گفته است در جرم نسل‌کشی، مرتکب قربانی را نه به‌عنوان یک شخص بلکه به‌عنوان عضوی از یک گروه مورد حمله قرار می‌دهد (نمایان، ۱۳۹۴، ۱۳).

برخی استدلال کرده‌اند ماده ۶ اساسنامه دیوان که از ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌زدایی مصوب ۱۹۴۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و عرف مسلم حقوق بین‌الملل اقتباس شده است، نسل‌کشی را به‌عنوان اقداماتی برشمرده است که با قصد ناپودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، مذهبی یا نژادی ارتکاب یافته باشد و به‌رغم ارتکاب اقداماتی از سوی گروه داعش که عناصر مادی این جرم را تشکیل می‌دهد مانند کشتن اعضای یک گروه، ایجاد صدمه ذهنی یا فیزیکی شدید نسبت به اعضای گروه، انتقال اجباری کودکان از گروه هدف به گروه دیگری، چنین قصدی در مورد اقدامات این گروه وجود ندارد، زیرا نسل‌کشی مانند ناپودی یک‌گونه^{۱۱} در جهان است و هیئت‌های قضایی نیز در این

۸- علم مرتکب

۹- قصور مرتکب در خصوص تحقیق راجع به سن کودک

خصوص تفسیر مضیق می‌کنند. از این رو، با توجه به اقدامات داعش علیه عراقی‌ها و سوری‌ها، توجه اتهام نسل‌کشی بر مبنای نژادی، ملی و قومیتی را فاقد مبنا دانسته و استدلال کرده‌اند این گروه‌ها در مناطق تحت کنترل داعش متمایز نیستند و در مورد گروه‌های مذهبی هم اگرچه این گروه‌ها را متمایز دانسته‌اند اما دارای گستردگی‌ای که برای جرم نسل‌کشی نیاز است نیست.

در مقابل می‌توان اظهار داشت: اولاً، چنان‌چه عنصر مادی جرم نسل‌کشی محقق دانسته شود خود این می‌تواند مبنای آغاز رسیدگی توسط دادستان قرار گیرد تا نسبت به شروع یک تحقیق جامع در این خصوص و بررسی وجود ارکان مادی و روانی از یک طرف و فقد عوامل موجهه جرم یا رافع مسئولیت مانند اجبار و اکراه از طرف دیگر اقدام کند؛ لذا این اتهام اجمالاً می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر همین‌که عنصر مادی جرم نسل‌زدایی ارتکاب یافته است مبنایی معقول برای آغاز رسیدگی توسط دادستان به وجود آمده است. دوماً، در جرم نسل‌زدایی، گستردگی اقدامات شرط تحقق جنایت نیست اگرچه کشتار وسیع می‌تواند اماره‌ای قوی و گاه قطعی بر قصد نابودی گروه مورد حمایت باشد. بنابراین، کشتن یک یا چند عضو گروه به قصد نابودی کلی یا جزئی آن گروه نیز می‌تواند طبق اساسنامه، نسل‌زدایی محسوب شود. البته اثبات این قصد خاص آسان نیست و دادگاه ناگزیر از توجه به قرائنی مانند نظریات سیاسی خاص مرتکب یا مرتکبان خواهد بود. در مورد گروه داعش، با توجه به بیانیه‌های سیاسی و نوع اقدامات این گروه نسبت به گروه‌های قربانی که همگی مبین عدم پذیرش هر گروهی غیرخودشان بوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد قصد نابودی گروه اجمالاً متوجه گروه داعش می‌باشد. آن‌چه مسلم است رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه دارفور سودان، اثبات قصد خاص در نسل‌زدایی بر اساس معیار بدون شک معقول را منحصر به مرحله صدور حکم محکومیت کرده است و لذا در مرحله تحقیقات مقدماتی، پیشینه فکری و عقیدتی داعش در ستیز با گروه‌های دینی خاص برای اثبات قصد نابودسازی بر اساس معیار قرائن اساسی می‌تواند به تأیید اتهام نسل‌زدایی در شعبه مقدماتی بیانجامد (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴، ۸).

در مجموع، با توجه به این‌که گروه‌های مذهبی و قومی ایزدی، ترکمن، مسیحی و شیعی در عراق و حتی در مناطق تحت کنترل داعش به نحو متمایزی وجود دارد و با نظر به این‌که گروه داعش ارتکاب اعمالی مانند قتل اعضای گروه‌های مذهبی و قومی و انتقال اجباری کودکان گروه هدف به گروه‌های دیگر را در کارنامه خود دارد که مؤید وجود عنصر مادی جرم نسل‌کشی است و قصد خاص نابودی تمام

یا بخشی از این گروه‌ها دست کم در مناطق تحت کنترل داعش نیز وجود دارد، بر این اساس به نظر می‌رسد اتهام نسل‌کشی اجمالا متوجه این گروه است.

۴- جنایات علیه بشریت

امروزه تردیدی نیست که حقوق بین‌الملل عرفی ارتباط بین جنایات ضدبشریت و پدیده جنگ را ضروری نمی‌داند که همین موضع در اساسنامه دیوان دائمی کیفری بین‌المللی پذیرفته شده است. زیرا در غیر این صورت، نیازی به ذکر جرائم علیه بشریت به صورت مستقل در ماده ۷ اساسنامه رم نبود و این جرائم می‌توانست تحت عنوان جرائم جنگی در ماده ۸ اساسنامه آورده شوند. باین وجود، این اساسنامه همچون اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، جرائم علیه بشریت را تنها علیه غیرنظامیان قابل ارتکاب دانسته‌اند، درحالی که حقوق بین‌المللی عرفی در این خصوص موسع‌تر است (موسی زاده و فروغی نیا، ۱۳۹۲، ۸).

۴-۱- عنصر مادی جنایات علیه بشریت

قتل - رفتار مادی کشتن می‌تواند عنصر مادی نسل‌کشی نیز محسوب شود. مشروط بر این که عنصر روانی لازم برای نسل‌کشی وجود داشته باشد. پرواضح است در هر دو جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت، قتل عمدی مدنظر است. کشتن نه تنها ناظر به کشتن مستقیم می‌شود بلکه ناظر به مواردی نیز می‌شود که متهم با ایجاد شرایطی مسبب مرگ قربانی می‌شود (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵، ۱۱).

ریشه‌کن کردن - منظور از ریشه‌کن کردن، کشتن گسترده و در ابعاد وسیع است. بند دوم از ماده ۷ اساسنامه در توضیح آن بیان داشته است: «شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی می‌شود». بر این اساس، کشته شدن بیش از یک نفر در رفتار ریشه‌کن کردن استنباط می‌شود. باین وجود، در سند موسوم به عناصر تشکیل‌دهنده جرائم در تبیین ریشه‌کن کردن اشاره به کشته شدن یک یا چند نفر توسط مرتکب شده است.

به بردگی گرفتن - منظور از به بردگی گرفتن اعمال یک یا همه حقوق مربوط به مالکیت بر یک

شخص که مشتمل بر اعمال این حقوق در اثنای قاچاق اشخاص، به‌ویژه زنان و کودکان می‌باشد، است. سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم به مواردی مانند خرید، فروش، کرایه دادن یا معاوضه یا سایر موارد مشابه که باعث محروم شدن از آزادی می‌شود، نیز اشاره کرده است. طبق نظر دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، صرف بازداشت کردن کسی بدون انجام هیچ کار دیگری معمولاً^{۱۲} برده ساختن محسوب نمی‌شود (کریمی مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴، ۱۱).

اخراج یا انتقال اجباری جمعیت - بند دوم از ماده ۷ اساسنامه رم، اخراج یا انتقال اجباری را به معنی جابجا کردن اجباری اشخاص مربوطه، به‌زور یا با اعمال اجبارکننده دیگر، از محلی که قانوناً در آن حضور دارند، بدون هیچ دلیل موجهی از لحاظ حقوق بین‌الملل دانسته است. سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم واژه اجبار را تنها شامل اجبار فیزیکی ندانسته بلکه آن را شامل تهدید به‌زور که با اعمالی چون اکراه، ترساندن از خشونت، بازداشت، اجبار روانی یا سوءاستفاده از قدرت و یا سوءاستفاده از شرایط خاص مشابه حاصل می‌شود نیز دانسته است. تفاوت بین اخراج و انتقال اجباری توسط دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده کریستیچ توضیح داده شده است: «اخراج و انتقال اجباری هر دو به معنی تخلیه غیرارادی و غیرقانونی افراد از ناحیه‌ای است که در آن ساکن می‌باشند. با این حال این دو واژه در حقوق بین‌الملل عرفی مترادف نیستند. اخراج به معنی انتقال دادن به فراسوی مرزهای یک کشور درحالی‌که انتقال اجباری به معنی جابجا کردن در داخل یک کشور است».

محبوس کردن یا محروم کردن شدید دیگری از آزادی فیزیکی - سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم، رفتار حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی فیزیکی را ناظر به مرتکبی دانسته است که یک یا چند نفر را محبوس کرده یا به شکل دیگری از آزادی جسمانی محروم کرده است و این عمل ضمن این که آن‌چنان شدید بوده که منجر به نقض قواعد اساسی حقوق بین‌الملل شده است، به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب یافته است.

شکنجه - بند دوم از ماده ۷ اساسنامه رم، شکنجه را ایراد عمدی درد یا رنج شدید، اعم از جسمی یا روحی علیه شخصی که در بازداشت یا تحت کنترل متهم قرار دارد دانسته و تصریح کرده است که درد یا

۱۲- با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص هر مورد

رنج ناشی از اجرای مجازات قانونی شکنجه محسوب نمی‌شود. ممنوعیت شکنجه در اسناد بین‌المللی دیگری مانند کنوانسیون‌های لاهه و ژنو در مورد مخاصمات مسلحانه و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و به‌ویژه کنوانسیون شکنجه سازمان ملل متحد نیز تصریح شده است (مومنی، ۱۳۹۶، ۶).

خشونت جنسی - در بند اول از ماده ۷ خشونت جنسی به‌عنوان یکی از مصادیق عنصر مادی جرم جنایت علیه بشریت برشمرده شده است. طبق بند مزبور خشونت جنسی مشتمل بر ارتکاب اعمالی مانند تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی هم‌سنگ با آنها، است. سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم مقرر داشته است این رفتار باید به‌زور یا با تهدید و اکراه و یا با سوءاستفاده از قدرت صورت گیرد؛ و قربانی اعم از زن و مرد است. همچنین، اگر شخصی به دلایلی از جمله صغر سن قادر به اعلام رضایت به‌طور حقیقی نباشد، عمل ارتكابی علیه وی در حکم رفتار اجباری خواهد بود.

اذیت و آزار - به‌موجب بند دوم از ماده ۷ اساسنامه، منظور از تعقیب و آزار محروم کردن عمدی و جدی اشخاص از حقوق اساسی به دلیل هویت گروهی آنها برخلاف موازین بین‌الملل است. این هویت می‌تواند بر مبنای سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی یا مبنای مشابه استوار باشد. همچنین، این رفتار ارتكابی باید در ارتباط با یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی^{۱۳} ارتکاب یافته تا قابل تعقیب تحت اساسنامه رم باشد. مشروط بر این که منتج به نقض جدی حقوق بشر شده، بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بوده و با نیت تبعیض‌آمیز ارتکاب یافته است.

ناپدید کردن اجباری اشخاص - ناپدید کردن اجباری اشخاص، طبق بند دوم از ماده ۷ اساسنامه رم، به معنی دستگیر کردن، بازداشت یا ربایش افراد توسط افراد یک دولت یا سازمان سیاسی یا با مجوز، حمایت یا رضایت آن است، درحالی که هیچ اطلاعاتی در مورد سرنوشت این افراد یا محل نگهداری آنها داده نمی‌شود و غرض از این کار، محروم کردن این اشخاص از حمایت قانون برای مدت‌زمان طولانی است. طبق سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم عدم تأیید بازداشت فرد یا عدم ارائه اطلاعات در مورد

۱۳- مانند جرائم جنگی یا مصادیق دیگری از جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی یا تجاوز ارضی

وی باید از سوی دولت یا یک سازمان سیاسی یا با مجوز یا حمایت آن باشد (پورسعید، ۱۳۹۶، ۷).

تبعیض نژادی - تبعیض نژادی طبق بند دوم از ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به معنای اعمال غیرانسانی مشابه اعمال مذکور در بند اول ماده ۷ است که در یک رژیم مبتنی بر ظلم و ستم سازمان یافته و تفوق یک گروه نژادی بر یک گروه نژادی دیگر به منظور حفظ آن رژیم است.

در کنوانسیون آپارتاید که از هجدهم ژوئیه ۱۹۷۶ میلادی لازم الاجرا شده است، آپارتاید یک جنایت علیه بشریت و مشتمل بر یکی از شش عمل زیر با قصد و نیت تبعیض آمیز دانسته شده است: منع اعضای یک گروه نژادی از حق حیات و آزادی. تحمیل شرایطی به گروه‌های نژادی به قصد نابود کردن آن‌ها از نظر فیزیکی. تصویب قوانینی به قصد بازداشتن گروه‌های نژادی از مشارکت در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور. انجام اقداماتی جهت جداسازی جمعیت. سوءاستفاده از نیروی کار گروه‌های نژادی. اذیت و آزار گروه‌های نژادی به گونه‌ای که از حقوق و آزادی‌های اساسی محروم شوند. علاوه بر این، در کنوانسیون عدم اعمال مقررات مرور زمان به جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت در سال ۱۹۴۸ میلادی نیز نسل کشی و ارتکاب اعمال غیرانسانی ناشی از سیاست تبعیض نژادی به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شده‌اند (امینیان و زمانی، ۱۳۹۳، ۱۸).

اعمال غیرانسانی مشابه - این اعمال، طبق بند اول از ماده ۷ اساسنامه رم، باید عمدا انجام شده و موجب ورود رنج یا جراحت شدید به جسم، روان یا سلامت شخص گردد. هرچند نگرانی‌هایی در مورد وجود چنین بندی که مغایر با لزوم قطعیت داشتن حقوق جزا است، وجود دارد اما دامنه رفتارهای غیرانسانی آن چنان گسترده است که نمی‌توان انتظار داشت یک معاهده بین‌المللی همه آن‌ها را احصاء کند. بنابراین، گریزی از ذکر عبارت سایر اعمال غیرانسانی نبوده است. برای احتراز از آثار نامطلوب، می‌توان به معیارهای حقوق بشر که در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پیمان بین‌المللی حقوق اجتماعی و اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته‌اند مراجعه کرد که نقض آن‌ها ممکن است با وجود سایر شرایط به یک جنایت علیه بشریت منتهی شود.

۲-۴- عنصر روانی جنایات علیه بشریت

در جرائم علیه بشریت علاوه بر قصد عام ارتکاب هریک از رفتارهای ممنوعه یا بی تفاوتی مرتکب به

ایجاد چنین نتیجه‌ای، علم مرتکب به وجود یک حمله گسترده و سازمان‌یافته نسبت به یک جمعیت غیرنظامی ضروری است. اگرچه طبق سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم ضرورتی ندارد مرتکب نسبت به همه ویژگی‌های حمله یا جزییات دقیق نقشه یا طرح دولت یا سازمان ذریط آگاهی داشته باشد. همین‌طور انگیزه مرتکب در ارتکاب جرم اصولاً مهم نیست.

در خصوص اقدامات داعش، با توجه به بیانیه‌های این گروه و نشریات آن به روشنی مبین توجه عنصر روانی به این گروه می‌باشد. از این‌رو، شرایط عام و خاص ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در مورد جنایات داعش به سادگی قابل اثبات است؛ به‌ویژه آن که شرط گستردگی و سازمان‌یافتگی ناظر به مجموعه اقدامات گروه داعش است و برای انتساب این جنایات به یک متهم خاص تنها کافی است ثابت شود که عمل متهم بخشی از یک تهاجم سازمان‌یافته و یا گسترده را تشکیل داده و مرتکب از وجود چنین تهاجم گسترده و یا سازمان‌یافته آگاه بوده است.

۵- جنایات جنگی

جنایات جنگی، ابتدا در معاهده ورسای در اوایل قرن بیستم میلادی برای محاکمه تعدادی از سربازان آلمانی پیش‌بینی شده بود. این جرائم متعاقباً در کنوانسیون چهارم لاهه در ۱۹۰۷ میلادی، منشور نورنبرگ، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ میلادی، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ میلادی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در ۱۹۹۳ میلادی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا در ۱۹۹۴ میلادی گنجانده شدند. اساسنامه دیوان دائمی کیفری بین‌المللی در ماده ۸ به ذکر مصادیق جرائم جنگی پرداخته است (زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷، ۶۰).

۵-۱- عنصر مادی جرائم جنگی

ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اقدامات مشتمل بر جنایات جنگی را در منازعات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی به صورت مفصل و گسترده برشمرده است. صدر این ماده مقرر می‌دارد: «دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به‌ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنین جرائمی صورت گرفته باشد».

جنایات جنگی در منازعات مسلحانه بین‌المللی در بند دوم ماده ۸ اساسنامه رم احصاء شده است که به دو دسته تقسیم شده است: دسته نخست که در شق اول بند دوم از ماده ۸ ذکر شده‌اند، مواردی هستند که منجر به نقض شدید کنوانسیون‌های چهارگانه گانه ژنو ۱۹۴۹ میلادی می‌شوند. این موارد مشتمل بر کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی^{۱۴}، ایراد صدمه شدید به جسم یا سلامتی اشخاص، تخریب یا تصاحب گسترده و غیرقانونی اموال بدون این که ملاحظات نظامی آن را ایجاب کند، مجبور کردن اسراء یا سایر اشخاص مورد حمایت به خدمت در نیروهای دشمن، مجبور کردن عمدی اسراء یا سایر اشخاص تحت حمایت از یک محاکمه منصفانه، اخراج یا انتقال یا حبس غیرقانونی و گروگان‌گیری است. قربانیان این دسته از جرائم، اشخاص تحت حمایت هستند که شامل اعضای نیروهای مسلح دشمن^{۱۵} و غیرنظامیانی که در اختیار نیروهای طرف مقابل هستند، است.

دسته دوم که در شق دوم بند دوم از ماده ۸ اساسنامه رم ذکر شده‌اند، سایر موارد نقض‌های جدی مقررات و عرف جنگی در چهارچوب تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ میلادی و پروتکل الحاقی آن را شامل می‌شود. این بند، علاوه بر مواردی که در کنوانسیون لاهه منع شده است مانند حمله به مناطق و افراد غیرنظامی، کشتن رزمندگانی که سلاح خود را به زمین گذاشته‌اند، حمله به ساختمان‌های مذهبی، علمی و مانند آن‌ها، به موارد جدیدی مانند حمله به نیروهای حافظ صلح یا خدمات بشردوستانه یا تخریب محیط‌زیست هم اشاره کرده است. مواردی از این بند نیز به گلوله‌های سمی یا منبسط شونده به‌عنوان سلاح‌های ممنوعه اشاره کرده است. در ادامه این بند نیز به جرائم جنسی از جمله تجاوز، بردگی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری و سایر خشونت‌های جنسی پرداخته است که ممکن است تحت شرایطی جنایت علیه بشریت نیز محسوب شوند. علاوه بر این، «بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر هجده سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی» از جمله جرائم جنگی این بند قلمداد شده است (عمادی، ۱۳۹۳، ۱۹). هرچند انتساب جنایات جنگی به گروه داعش، تقریباً مورد اتفاق صاحب‌نظران و نهادهای بین‌المللی

۱۴- مانند انجام آزمایش‌های بیولوژیک بر روی افراد

۱۵- مجروحان، بیماران و اسراء

است و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز بیانیه ناوی پیلای کمیسر عالی شورای حقوق بشر به تشریح آن پرداخته است. باین‌حال، شرایط برشمرده شده در مورد برخی جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ممکن است اعمال صلاحیت را در مواردی محدود نماید. بندهای ماده ۸ اساسنامه با لحاظ اصلاحات سال ۲۰۱۰ میلادی، به بیان و توصیف جرائم جنگی غیربین‌المللی می‌پردازد اما اساسنامه، تفاوت ظریفی در این خصوص مقرر کرده است بدین معنا که بند ۲ (d) ماده ۸ اساسنامه، تصریح کرده است جرائم مذکور در بند ۲ (c) ۱۶ بر منازعات مسلحانه غیربین‌المللی منطبق است و لذا شامل آشوب‌ها و تنش‌های داخلی همچون شورش‌ها و اعمال خشونت‌آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی‌شود. بنا به تصریح بند ۲ (f) ماده ۸ اساسنامه، جرائم مذکور در بند ۲ (e)، علاوه بر ویژگی مذکور، باید واجد ویژگی دیگری نیز باشند و آن این که اعمال بند ۲ (e) ۱۷ باید در قلمرو یک دولت و در جریان منازعه مسلحانه طولانی مدت بین نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته ارتکاب یابند. از این‌رو، اگرچه با توجه به درگیری گروه داعش در کشور عراق و نیز حمله نیروهای موسوم به ائتلاف به رهبری ایالات متحده آمریکا به درخواست دولت عراق، به نظر می‌رسد این منازعه، یک جنگ مسلحانه بین‌المللی است (دل خوش، ۱۳۹۹، ۲۷).

باین‌وجود، چنان چه این جنگ، یک منازعه مسلحانه غیربین‌المللی نیز قلمداد شود، بنا به دلایل زیر همچنان مشمول صلاحیت جرائم جنگی اساسنامه رم خواهد بود: اولاً، شماری از رفتارهای مجرمانه در این شق مانند اعمال خشونت علیه افراد به‌ویژه قتل، مثله کردن، شکنجه، ارتکاب اعمال شنیع علیه شرافت شخصی، گروگان‌گیری، تعیین و اجرای مجازات اعدام بدون برگزاری دادگاه قانونی با تضمین‌های لازم و غیره علیه نیروهای مسلح دشمن یا غیرنظامیان اسیر نزد طرف مقابل^{۱۸} و حمله به نیروهای حافظ صلح یا خدمات بشردوستانه، افراد یا مناطق نظامی، ارتکاب جرائم جنسی، گنجاندن افراد زیر پانزده سال در زمره

۱۶- نقض جدی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و سایر موارد نقض جدی مقررات و عرف جنگی

۱۷- سایر موارد نقض جدی مقررات و عرف جنگی

۱۸- نقض جدی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ میلادی

نیروهای مسلح، جابجا کردن جمعیت غیرنظامی و غیره^{۱۹} توسط گروه داعش ارتکاب یافته است. دوما، وضعیت داعش یک جنگ پراکنده نیست بلکه نبردی تمام‌عیار است که رفتارهای داعش را مشمول جرائم جنگی می‌کند. سوماً، با توجه به حضور بیش از چند سال این گروه در عراق، به نظر می‌رسد می‌توان این جنگ را منازعه‌ای طولانی‌مدت میان نیروهای دولتی و مخالفان مسلح سازمان‌یافته، قلمداد کرد و در نتیجه هریک از جرائم مذکور در بندهای دوم ماده ۸ را با لحاظ سایر مقررات اساسنامه، قابل رسیدگی در محکمه‌ای بین‌المللی دانست. حتی به فرض فقد شرط اخیر^{۲۰} همچنان رفتارهای ارتكابی شدیدی مشتمل بر نقض جدی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو به اعضای داعش قابل انتساب است و از این حیث، اعمال شمول رفتارهای داعش بر جرائم جنگی را ممکن می‌سازد (جعفری، ۱۳۹۲، ۱۶).

۵-۲- عنصر روانی جرائم جنگی

رکن روانی جرائم جنگی، علاوه بر عمد در رفتار و عمد در نتایج مجرمانه برخی رفتارهایی که مقید به نتیجه خاصی مانند مرگ یا جراحت قربانی هستند، نیازمند آگاهی مرتکب از وجود یک محاصره مسلحانه است. اگرچه آگاهی مرتکب از ماهیت داخلی یا بین‌المللی محاصرات ضرورتی ندارد. در موارد محدودی صرف مسامحه، کافی در تشکیل عنصر روانی است. منظور از موارد محدود، استثنایی است که در ماده ۳۰ اساسنامه در تعریف عنصر روانی آمده است. در این خصوص به نظر می‌رسد منظور از «جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده است» در صدر ماده ۳۰ اساسنامه، مصادیقی از این جرائم است که وجود بخشی از رکن روانی لازم شمرده نشده است که می‌تواند شامل جرم متکی بر «مسئولیت مطلق یا سوءنیت احتمالی» در بند الف ماده ۲۸ اساسنامه رم شود.

در مورد اقدامات گروه داعش که مشتمل بر جنایات جنگی است قابل ذکر است با توجه به ارتکاب عنصر مادی این جرائم توسط گروه داعش و این که مفاد بیانیه‌ها و نشریات این گروه، مبین علم و قصد این گروه در ارتکاب این جنایات می‌باشد. به‌عنوان مثال، این گروه در نشریه خود، کشتار غیرنظامیان را تأیید و تشویق نموده است و نیز با توجه به انتشار وسیع اقدامات این گروه در فضای مجازی توسط خود

۱۹- سایر موارد نقض جدی مقررات و عرف جنگی در چهارچوب تثبیت شده حقوق بین‌الملل

۲۰- منازعه طولانی‌مدت

این گروه، به نظر می‌رسد که عنصر روانی جنایات جنگی متوجه گروه داعش باشد.

۶- جرم تجاوز ارضی

در خصوص جرم تجاوز ارضی، اگرچه در اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ میلادی طی بند دال قسمت اول ماده ۵ صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در این مورد تصریح قرار گرفت اما طی بند دوم همین ماده مقرر شد که «دیوان کیفری بین‌المللی زمانی در مورد جرم تجاوز ارضی اعمال صلاحیت خواهد کرد که مطابق ماده‌های ۱۲۱ و ۱۲۳، مقررات مربوط به آن شامل تعریف این جنایت و تعیین شروطی که دیوان به موجب آن در خصوص این جنایت اعمال صلاحیت خواهد کرد، تصویب شده باشد». در اجلاس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۱۰ میلادی در کامپالا، مجمع دول عضو اساسنامه، طی ماده ۸ مکرر به تعریف جرم تجاوز ارضی و مصادیق آن پرداختند (صبح و همکاران، ۱۴۰۱، ۸).

۶-۱- عنصر مادی جرم تجاوز ارضی

بر اساس ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جرم تجاوز ارضی عبارتند از «برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط صاحب‌منصبی که به نحو مؤثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می‌کند که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود». بند دوم ماده ۸ مکرر اساسنامه رم عمل تجاوزکارانه مذکور در بند اول ماده ۸ مکرر را این‌گونه تعریف می‌کند: «استفاده یک دولت از نیروهای مسلح علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر، یا به هر شیوه دیگری که با منشور ملل متحد ناسازگار باشد».

این اصلاحات حاوی نکاتی است: اول- بر اساس تعریف جرم تجاوز ارضی، این جرم مربوط به سران است و تنها فرماندهان ارشد نظامی و سران سیاسی دولت‌ها که توان شروع جنگ را داشته باشند، می‌توانند در مظان اتهام تجاوز ارضی قرار بگیرند؛ لذا این اتهام نمی‌تواند نسبت به سربازان میدان جنگ که مجری دستورات هستند قابل طرح باشد. دوم- نقض منشور سازمان ملل متحد بدان جهت در تعریف گنجانده شده است که در منشور ملل متحد در دو وضعیت، توسل به زور جایز است: یکی دفاع مشروع و دیگری تجویز شورای امنیت سازمان ملل متحد. لذا اساسنامه دیوان دائمی کیفری بین‌المللی کیفری خواسته است

هم‌راستا با منشور ملل متحد قرار گیرد. با این وجود، بلافاصله بعد از اجلاس کامپالا، شورای امنیت سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای اعلام کرد این اصلاحات با مفاد منشور ملل متحد سازگار نیست زیرا منشور ملل متحد، اختیار تشخیص و احراز وضعیت تجاوز را انحصاراً به شورای امنیت سازمان ملل متحد داده است و احراز تجاوز حق ویژه شورای امنیت است. سوم - فعال‌سازی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جرم تجاوز ارضی منوط به تحقق دو شرط شد. نخست تصویب اصلاحات و الحاقات اجلاس کامپالا از سوی سی دولت عضو. دوم اتخاذ یک تصمیم در این خصوص در اجلاس سال ۲۰۱۷ میلادی. شرط نخست در سال ۲۰۱۶ میلادی با تصویب اصلاحات و الحاقات اجلاس کامپالا از سوی دولت فلسطین که عضو تازه دیوان کیفری بین‌المللی بود محقق شد، اما شرط دوم تا اجلاس ۲۰۱۷ میلادی دیوان محقق نشد.

۶-۲- عنصر روانی جرم تجاوز ارضی

عنصر روانی جنایت تجاوز ارضی بر اساس ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، قصد ارتکاب هریک از مصادیق عمل تجاوز^{۲۱} است. در رابطه با نتیجه عمل نیز، در صورتی مرتکب دارای قصد است که ایجاد آن نتیجه را قصد کند یا بداند آن نتیجه در مسیر طبیعی حوادث روی خواهد داد. شرط آگاهی نیز یعنی اطلاع از وجود یک وضعیت یا اطلاع از این که نتیجه‌ای در مسیر طبیعی حوادث روی خواهد داد (پورحمزوی، ۱۳۹۵، ۱۱).

در خصوص جنایات گروه داعش، به نظر می‌رسد جرائم عادی ارتكابی از سوی اعضای داعش که فاقد خصیصه بین‌المللی باشند، امکان محاکمه در محاکم داخلی دول صالح را خواهند داشت. قوانین عراق و سوریه مانند هر کشور دیگری، اقداماتی چون قتل، غارت و تجاوز جنسی را جرم انگاری کرده است. به‌عنوان مثال، قانون عقوبات عراق مصوب ۱۹۶۹ میلادی در ماده ۱۹۴ خود برای نهب و غارت اموال دولتی یا جماعتی از مردم، مجازات اعدام مقرر کرده است یا در ماده ۱۹۱ برای صرف اقدام مسلحانه، حبس ابد مقرر کرده است یا طبق ماده‌های ۴۰۵ و ۴۰۶ برای قتل عمد^{۲۲} مجازات اعدام یا حبس ابد در نظر گرفته است. بنابراین، دولت عراق و سوریه به‌عنوان دولت سرزمینی دارای این اولویت اصلی هستند که به

۲۱- عنصر مادی

۲۲- حسب درجات آن

جرائم ارتكابی بر اساس قوانین داخلی خود رسیدگی نمایند. بر این اساس به نظر می‌رسد جرائمی چون قتل، تجاوز جنسی و قیام مسلحانه علیه حکومت با خصیصه غیر بین‌المللی، می‌تواند مورد رسیدگی و محاکمه توسط سیستم قضایی دولت عراق و سوریه قرار گیرد.

۷- تهدید صلح و امنیت بین‌المللی

تعقیب کیفری در سطح بین‌المللی یک تفاوت اساسی با تعقیب داخلی کشورها دارد. در سطح بین‌المللی، هر گونه تعقیب کیفری باید واجد خصیصه اهمیت قابل توجه باشد. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مبحث قابلیت پذیرش، به وضوح ذکر شده است: موضوع دارای آن چنان اهمیتی باشد که تعقیب را ایجاب نماید. این مهم می‌تواند ناظر به گستره جنایت باشد که امنیت بین‌المللی را تهدید کند. اقدام شورای امنیت سازمان ملل متحد در تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی یا ارجاع به دیوان دائمی کیفری بین‌المللی متضمن آن است که این شورا، موضوع قابل تعقیب را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص دهد. از این رو، وجود تهدید علیه امنیت بین‌المللی یکی از شاخصه‌های مهم تعقیب بین‌المللی است (سودمندی، ۱۳۹۴، ۸).

۷-۱- اقدامات داعش علیه صلح و امنیت بین‌المللی

شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه و بیانیه‌هایی، اقدامات گروه داعش را محکوم و با تهدید علیه صلح برشمردن آن، لزوم همکاری‌های بین‌المللی را خواستار شده است. اگرچه با تقاضای دولت عراق، ائتلافی نظامی-سیاسی علیه اقدامات این گروه شکل گرفته است اما شورای امنیت سازمان ملل متحد از ارجاع موضوع به دیوان دائمی کیفری بین‌المللی یا تشکیل یک دادگاه موردی خودداری کرده است، در حالی که صلح و امنیت بین‌المللی به شدت به مخاطره افتاده است.

همه این‌ها در حالی بوده است که گروه داعش تقریباً بدون هیچ مانعی و بی‌اعتنا به هنجارهای ملل متمدن برای حدود سه سال، بخش وسیعی از عراق و سوریه را تصرف و با خشن‌ترین روش‌ها به ارتکاب جنایات عدیده مشغول بود و با انتشار اقدامات ددمنشانه‌اش در فضای مجازی به شدت صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره کشیده بود. مجموعه این اقدامات به روشنی مؤید آن است که اقدامات داعش

تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است به‌ویژه از آن‌رو که شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های صادره در این خصوص، به‌وضوح، این موضوع را تأیید کرده است که گذشته از جنبه سیاسی، به لحاظ حقوقی نیز واجد ارزش است (توکلی، ۱۳۹۳، ۱۴).

۲-۷- اقدامات متحدها داعش علیه صلح و امنیت بین‌المللی

به‌موازات اقدامات گروه داعش در عراق و سوریه، اقدامات تروریستی دیگری توسط گروه‌ها و افراد متحد داعش در سرتاسر جهان به وقوع پیوسته است که همگی مبین وجود ناامنی گسترده مبتنی بر اقدامات تروریستی این گروه در سرتاسر جهان است. ظهور گروه موسوم به بوکوحرام در نیجریه و گروه وابسته به داعش در لیبی و اقدام تروریستی اعضای داعش در فرانسه و لبنان و اقدام هواداران این گروه در ایالات متحده آمریکا از جمله آن‌ها است.

بوکوحرام که نام رسمی اش «جماعه اهل السنه للدعوه و الجهاد» است، یک گروه شورشی و جهادی اسلامی در شمال نیجریه است که در سال ۲۰۰۲ میلادی تأسیس شده و پیش‌تر با القاعده ارتباط داشت اما در مارس ۲۰۱۵ میلادی با ابوبکر البغدادی بیعت کرد. این گروه تاکنون با حملات گسترده‌ای به بانک‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌های بزرگ دست به کشتار بی‌رحمانه‌ای زده است. در هفتم فوریه ۲۰۱۵ میلادی پنج کشور درگیر جنگ با گروه تروریستی بوکوحرام در بیانیه پایانی نشست مشترک خود متعهد شدند برای مبارزه با این گروه تروریستی هشت هزار و هفتصد نفر نیرو تشکیل دهند اما تاکنون نتیجه ملموسی نداشته است. از جمله جنایات شیخ این گروه، قتل عام هشتادوهفت نفر در بیستم سپتامبر ۲۰۱۳ میلادی، گروگان‌گیری دویست و هفتاد و شش دانش‌آموز در آوریل ۲۰۱۴ میلادی و استفاده از کودکان در عملیات انتحاری است.

مجموعه این اقدامات و اقدامات دیگر نشان می‌دهد تروریسم به شکلی بسیار وسیع‌تری از گذشته، توسعه یافته است و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و اگرچه گروه داعش از اواخر ژوئن ۲۰۱۷ میلادی بسیاری از تصرفاتش را در عراق و سوریه ازدست‌داده است اما خطر آن همیشه وجود دارد

به‌ویژه اگر اقدام عملی در جهت محاکمه سران داعش انجام نگیرد. بر این اساس، از آن جا که دول عراق و سوریه به‌عنوان دولت‌هایی که جنایات داعش در قلمرو آن‌ها ارتکاب یافته است تاکنون به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نپیوسته‌اند و اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نیز نسروده‌اند و دوماً تعداد قابل توجهی از سران و فرماندهان و افراد میانی داعش عراقی و سوریه‌اند؛ لذا برای محاکمه اعضای داعش در یک دادگاه بین‌المللی، تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دایر بر تأسیس یک دادگاه موردی بین‌المللی و یا ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۱۷ موافقتنامه سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین‌المللی یا تشکیل دادگاهی مختلط بر اساس توافق میان دول سرزمینی و سازمان ملل متحد ضروری به نظر می‌رسد (صبح و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۶).

نتیجه

بر پایه گزارش نهادها و مراجع معتبر بین‌المللی، گروه داعش مرتکب اعمال ضدانسانی شنیع و موهنی شده است که به جهت سازمان یافتگی و گستردگی، برخی از آن‌ها می‌تواند مصداق سه جنایت مهم بین‌المللی یعنی نسل‌زدایی، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت نیز محسوب شود. با این حال تاکنون هیچ اقدام جدی برای تعقیب و محاکمه اعضای داعش در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی صورت نگرفته است. دولت عراق به استناد اصل صلاحیت سرزمینی، مقدم‌ترین کشور برای تعقیب و محاکمه این افراد است. همچنین کشورهایی که اعضای داعش از اتباع آن‌ها به شمار می‌روند و یا صلاحیت جهانی نسبت به جنایات بین‌المللی را پذیرفته‌اند با تکیه بر صلاحیت شخصی و صلاحیت جهانی می‌توانند برخی از اعضای داعش را تعقیب و محاکمه کنند.

اما مهم‌تر از تعقیب و محاکمه توسط دادگاه‌های ملی، تعقیب و محاکمه اعضای داعش به‌ویژه سران آن در یک دادگاه کیفری بین‌المللی است. انتظار جامعه جهانی آن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد، امر تعقیب و محاکمه اعضای داعش را در یک دادگاه بین‌المللی عملی سازد. این امر از دو طریق امکان‌پذیر است؛ تأسیس یک دادگاه بین‌المللی موردی مانند دادگاه یوگسلاوی و رواندا و یا ارجاع به دیوان کیفری بین‌المللی. هر یک از این دادگاه‌ها از مزیت‌های نسبی و شایسته‌ای برای تعقیب و محاکمه

سران و اعضای داعش برخوردارند که دولت عراق و جامعه بین‌المللی باید از این ظرفیت‌ها به نحو شایسته استفاده نمایند.

ظهور گروه داعش در عراق و سوریه و کنترل مناطق گسترده‌ای از این دو کشور و تشکیل دولت خودخوانده عراق و شام، توجه جامعه جهانی را به خود جلب نمود. بر پایه گزارش نهادها و مراجع معتبر بین‌المللی، این گروه مرتکب اعمال ضدانسانی شنیع و موهنی شده است که به جهت سازمان‌یافتگی و گستردگی، دست کم برخی از آن‌ها می‌تواند مصداق سه جنایت مهم بین‌المللی یعنی جنایت نسل‌زدایی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت محسوب شود. با این حال، تاکنون هیچ اقدام جدی برای تعقیب و محاکمه اعضای داعش در دادگاه‌های بین‌المللی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر روشن می‌کند عوامل سیاسی در عرصه داخلی عراق و سوریه، منطقه‌ای و بین‌المللی و عوامل قضایی در عرصه داخلی و بین‌المللی، مانع تشکیل دادگاه بین‌المللی برای تعقیب جنایات داعش شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند دادگاه مختلط مناسب‌ترین و عملی‌ترین گزینه برای تعقیب جنایات داعش است. انتظار جامعه جهانی آن است دول عراق و سوریه با همکاری جامعه جهانی، امر تعقیب و محاکمه اعضای داعش را در یک دادگاه بین‌المللی عملی سازند.

پیشنهاد

اول- اولویت‌بندی دادگاه مختلط: با توجه به این که پژوهش نشان می‌دهد دادگاه مختلط مناسب‌ترین و عملی‌ترین گزینه برای تعقیب جنایات داعش است، بر ایجاد و حمایت از چنین دادگاهی تأکید شود. این امر مستلزم همکاری نزدیک دولت‌های عراق و سوریه با جامعه بین‌المللی است. دوم- فشار بر شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تشکیل دادگاه موردی یا ارجاع به دیوان کیفری بین‌المللی: با وجود چالش‌های سیاسی، جامعه جهانی باید به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی موردی مانند یوگسلاوی و رواندا یا ارجاع پرونده داعش به دیوان کیفری بین‌المللی فشار بیاورد. این مسیر، عدالت را در سطح بین‌المللی تضمین می‌کند. سوم- غلبه بر موانع سیاسی و قضایی:

باشناسایی عوامل سیاسی^{۲۴} و قضایی که مانع از تشکیل دادگاه بین‌المللی برای جنایات داعش شده‌اند، باید راهکارهای عملی برای غلبه بر این موانع طراحی و اجرا شود. این شامل دیپلماسی فعال و همکاری‌های حقوقی بین‌المللی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- آقایی جنت‌مکان، حسین و قریشی، سیدمحمدجعفر، ۱۳۹۲، سازوکارهای حقوقی کیفری بین‌الملل برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در سوریه، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۴.
- ابراهیم‌نژاد، محمد، ۱۳۹۳، **داعش دولت اسلامی عراق و شام**، چاپ اول، قم، انتشارات سراج منیر توحید.
- اسدی، علی‌اکبر، ۱۳۹۳، خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق، **گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**، شماره مسلسل ۱۳۷۳۹.
- امینیان، بهادر و زمانی، سیدحسام‌الدین، ۱۳۹۳، داعش پیوند سلفیت تکفیری و بعثی‌گرایی، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۲۳.
- پورسعید، فرزاد، ۱۳۹۶، گذار از دابق به رومیه؛ چرخش گفتمانی داعش از خلافت به جهاد، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۷۵.
- پورحمزای، کریم، ۱۳۹۵، **داعش خاورمیانه در آتش جهادگرایان**، چاپ اول، انتشارات نوگام.
- توکلی، سعید، ۱۳۹۳، القاعده داعش افتراقات و تشابهات، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۲۳.
- جعفری، فریدون، ۱۳۹۲، ارزیابی چالش‌های فلسفی و نظری دیوان بین‌المللی کیفری، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، شماره ۱۱.
- خبیری، کابک و جدلی، صفی‌ناز، ۱۳۸۹، صلاحیت جهانی و کارایی آن در مبارزه و پیگیری جرائم

بین‌المللی، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۵۵.

- خواجه سروی، غلامرضا و بهرامی، سمیه، ۱۳۹۳، تحلیل روابط ایران و عراق بر اساس اسلام هراسی، **فصلنامه**

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۴.

- دل‌خوش، علیرضا، ۱۳۹۵، **مقابله با جرائم بین‌المللی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهردانش.

- زرنشان، شهرام و میرجعفری، سیدحسین، ۱۳۹۷، قابلیت تعقیب سران گروه تروریستی داعش در دیوان

کیفری بین‌المللی، **فصلنامه حقوقی بین‌المللی**، شماره ۵۹.

- سلیمی ترکمانی، حجت، ۱۳۹۸، مسئولیت بین‌المللی اقدامات داعش در عراق، **فصلنامه حقوقی**

بین‌المللی، شماره ۶۱.

- سودمندی، عبدالمجید، ۱۳۹۴، **رسیدگی به جنایت تجاوز در دیوان کیفری بین‌المللی**، چاپ اول،

تهران، انتشارات نگاه بینه.

- صالحی، جواد و مرادی نیاز، فاتح، ۱۳۹۵، بنیادگرایی اسلامی داعش القاعده تمایزهای ساختاری و

ایدئولوژیک، **دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، شماره ۸.

- صبح، صقر؛ زمانی، سیدقاسم؛ رضوی، سیدعلی؛ رضوی، سیدمحمد، ۱۴۰۱، مشروعیت ایجاد دادگاه توسط

نیروهای ائتلاف ضد داعش برای محاکمه اعضای دستگیر شده داعش در سوریه با نگاهی به

سازوکارهای جایگزین در حقوق کیفری بین‌الملل، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۴۹.

- عمادی، سیدرضی، ۱۳۹۳، آشنایی با گروه تروریستی داعش، **ماهنامه صف**، شماره ۳۹۹.

- کریمی مله، علی و گرشاسبی، رضا، ۱۳۹۴، بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش، **فصلنامه**

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱.

- گوهری مقدم، ابوزر، ۱۳۹۰، جهانی شدن و تروریسم جدید ارائه مدلی مفهومی، **دوفصلنامه دانش**

سیاسی، شماره ۱۳.

- لانگست، پیترو، ۱۳۹۷، **برنامه جهانی مبارزه با فساد**، ترجمه امیرحسین جلالی و حمید بهره‌مند، چاپ اول،

تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- محمدیان، علی و ترابی، قاسم، ۱۳۹۴، بسترها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش،

فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۹۳.

- معظمی، شهلا و نامیان، پیمان، ۱۳۹۴، نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی، دستاوردها، هنجارها و چالش‌ها،

فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۱.

- موسی زاده، رضا و فروغی نیا، حسین، ۱۳۹۲، بررسی مفهوم جنایت تجاوز ارضی با تأکید بر قطعنامه مصوب کنفرانس بازنگری کامپالا، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۶۲.
- مومنی، مهدی، ۱۳۹۶، ارزیابی اعمال صلاحیت جزایی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات ارتكابی داعش در سوریه و عراق، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۹۵.
- نمایان، پیمان، ۱۳۹۴، ارزیابی سیاست کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات داعش، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۶۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaiean, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhraei, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumars
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibolah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri